



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۵ آذر ۱۴۰۲

موضوع کلی: علم اجمالی

مصادف با: ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۴۵

موضوع جزئی: مقام دوم: کفایت امتثال اجمالی از امتثال تفصیلی - صورت دوم: تمکن از

امتثال تفصیلی - فرض سوم: عبادات - ادله عدم کفایت - دلیل اول و بررسی آن - دلیل دوم

و بررسی آن - دلیل سوم و بررسی آن - شرح رساله حقوق

جلسه: ۴۳

سال پانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مقام دوم بود که آیا امتثال اجمالی کفایت از امتثال تفصیلی می‌کند یا خیر؟ عرض کردیم صور مختلفی در این مسئله قابل تصویر است. ما حکم دو صورت را بیان کردیم؛ یکی جایی که تمکن از امتثال تفصیلی نباشد و دیگر اینکه تمکن از امتثال تفصیلی باشد و این خودش سه فرض دارد، دو فرض از این سه فرض حکمش بیان شد، اینکه در توصیلات آیا امتثال اجمالی کفایت می‌کند یا خیر؟ اینکه در معاملات آیا می‌توان به امتثال اجمالی اکتفاء کرد یا خیر؟ احکام این دو صورت بیان شد و گفتیم محذور و مانعی از امتثال اجمالی در فرض تمکن از امتثال تفصیلی وجود ندارد.

فرض سوم: عبادات

عمده بحث در این قسم است. اگر امکان امتثال تفصیلی باشد، و آن تکلیف یک تکلیف عبادی باشد؛ عرض کردیم اینجا تارتا احتیاط و امتثال اجمالی مستلزم تکرار عمل است و اخیری مستلزم تکرار عمل نیست.

ادله عدم کفایت امتثال اجمالی

در هر صورت چه مستلزم تکرار باشد چه نباشد، یک جهاتی مشترک بین اینهاست و اشکالاتی به صورت مشترک در صورت احتیاط و امتثال اجمالی در عبادات ممکن است وارد شود. به عبارت دیگر چندین دلیل اقامه شده است برای عدم کفایت امتثال اجمالی در عبادات. حال این جهات که عرض کردیم خیلی تأثیری ندارد که احتیاط بخواهد موجب تکرار شود یا نشود، اینکه احتیاط مستلزم تکرار عمل باشد یا نباشد تأثیری در این اشکالات در دید مستشکلین ندارد لذا لازم نیست اینها را از هم تفکیک کنیم.

حدود هفت دلیل برای عدم جواز اکتفاء به امتثال اجمالی ذکر شده است اعم از اینکه مستلزم تکرار باشد یا نباشد. بعضی از این ادله را شیخ انصاری در رسائل بیان کرده است، بعضی نیز پیش از ایشان در کلمات مطرح شده است، بعضی توسط محقق نایینی بیان شده است. مجموعاً این چند دلیل برای عدم جواز احتیاط بیان شده است که ما اینها را یک به یک باید بررسی کنیم ببینیم آیا اینها قابل قبول است یا خیر و می‌تواند خللی در امتثال اجمالی وارد کند یا خیر؟

دلیل اول

این دلیل را سید رضی بیان کرده و آن اجماع بر بطلان نمازی است که خصوصیات آن را نداند. این غیر از قصد وجه و قصد تمیز است که بعداً خواهیم گفت. وقتی کسی که می‌خواهد یک عمل عبادی را انجام دهد مثل نماز باید مشخصاً خصوصیات این را بداند

و بدانند این از طرف خداوند به عنوان تکلیف بیان شده است. ظهر جمعه وقتی مردد است و نمی‌داند که باید نماز ظهر بخواند یا نماز جمعه در حالیکه می‌تواند یا اجتهادا یا تقلیدا حکم نماز ظهر جمعه را به دست بیاورد اگر هر دو را بخواند یعنی امتثال اجمالی کند، این بخصوصیات این عمل واقف نیست. وقتی نماز ظهر می‌خواند نمی‌داند اصلا این عبادت واجب است برای او یا خیر؟ وقتی نماز عصر را می‌خواند باز هم نمی‌داند. چون واقف به خصوصیات این نماز نیست پس این نماز باطل است. البته این را شیخ انصاری در رسائل از قول سید رضی نقل کرده است.

بررسی دلیل اول

این دلیل به نظر می‌رسد محل اشکال است؛ چون:

اولا: این اجماع منقول است و اجماع منقول لا اعتبار به.

ثانیا: سلمنا که این اجماع محصل هم باشد معقد این اجماع جاهل مقصر و کسی است که خصوصیات را نمی‌داند. این فرق می‌کند با کسی که نمی‌داند ولی بعد از عمل یقین پیدا می‌کند به دستور عمل کرده است. محتاط و کسی که امتثال اجمالی انجام می‌دهد اگر از او سوال شود که تو چه کاری را انجام دادی، این دو کاری را انجام دادی چه بود؟ پاسخش این است که برایم یقینی است که وظیفه ام در ضمن آن انجام شده است. پس این فرق می‌کند با کسی که نمی‌داند این نمازی که باید بخواند چه خصوصیتی دارد، چند رکعت دارد، چند جزء دارد؟ آن چیزی که سید رضی ادعای اجماع بر بطلانش کرده است که بر اجزاء یا شرائط یا مقارنات عمل عبادی آگاه نیست. اینجا اجزاء و شرایط کاملا معلوم است و خصوصیات نیز معلوم است و بعد از عمل نیز یقین دارد که به تکلیفش عمل کرده است. پس دلیل اول باطل است.

دلیل دوم

ادعای شهرت شده است. (این دلایل در خصوص امتثال اجمالی نیست؛ این دلیل‌ها در جای دیگری آورده شده و اینجا تطبیق می‌دهند). مشهور بین فقها این است که اگر کسی طریق اجتهاد یا تقلید را ترک کند، عبادتش باطل است. اگر انسان بتواند مسائل را اجتهاد کند حق ندارد احتیاط کند، کسی که می‌تواند تقلید کند حق ندارد تقلید را کنار بگذارد، حال اگر فرض کنید یک مجتهدی با اینکه می‌تواند حکم عمل روز جمعه را اجتهاد کند ولی این را رها کند و برود احتیاط کند. مشهور این است که این جایز نیست. یا مثلا مقلد به جای اینکه برود از فتوای مجتهد سوال کند می‌گوید من احتیاط می‌کنم، مشهور این است که این عمل باطل است.

سوال:

استاد: فرض اینجا این است که شخص تمکن از امتثال تفصیلی دارد، اگر مجتهد است تمکن از امتثال تفصیلی دارد، اگر مقلد است تمکن از امتثال تفصیلی دارد، تمکن مجتهد از امتثال تفصیلی به چیست؟ به اجتهاد است، تمکن مقلد از امتثال تفصیلی به چیست؟ به تقلید است. این حرف درست نیست و ما جواب را می‌دهیم، ولی کسی می‌تواند از طرف این مستدل بگوید آن احتیاطی که آنجا گفتند برای کسی است که تمکن از امتثال تفصیلی نداشته باشد.

پس مستدل می‌گویند این سه هر کدام یک وظیفه ای دارند ولی محتاطی که حق دارد احتیاط کند کدام است؟ احتیاط در صورتی جایز است که تمکن از امتثال تفصیلی نداشته باشد. یعنی تمکن از اجتهاد یا تقلید. این دلیل را نیز شیخ انصاری در رسائل بیان کردند.

بررسی دلیل دوم

اولا: اصلا چنین شهرتی وجود ندارد.

ثانیا: بر فرض هم که وجود داشته باشد این شهرت فتوایی است که اعتبار ندارد.

ثالثا: اساسا اینکه عمل بدون اجتهاد و بدون تقلید باطل است، این در مقابل احتیاط بیان نشده است بلکه برای کسی است که نه اجتهاد می‌کند و نه تقلید بلکه بدون علم و اطلاع و بر اساس رای خودش کاری را انجام می‌دهد.

گاهی می‌گوییم انسان باید یا مجتهد باشد یا مقلد یا محتاط، این سه راه درست است، فرقی نمی‌کند در احتیاط بین اینکه انسان تمکن از امتثال تفصیلی داشته باشد یا نداشته باشد. این روشن است، یعنی احتیاط محصور به عدم امکان از امتثال تفصیلی نیست ولی آنچه که این مستدل به عنوان دلیل بیان کرده، در واقع بطلان این طریق است، یعنی ترک اجتهاد و ترک تقلید به این معنا نه اینکه بگوید احتیاط باطل است، کسی که اجتهاد را ترک کند و تقلید را نیز ترک کند و برود سراغ عمل بلا دلیل منظور این است عمل بر اساس تشخیص خودش، احتیاط کانه از دایره این مسئله خارج است.

سوال:

استاد: آن یک دلیل دیگر است. محقق نایینی و شیخ انصاری گفتند. چون اینجا ادله خیلی به هم نزدیک است؛ العبث بامر المولی دلیلی است که اینجا بیان شده است. گفتند این عبث به امر مولاست. عبث به امر مولا؛ ولی اینها هر کدام یک حیثیتی دارند.

دلیل سوم

احتیاط و امتثال اجمالی در عبادات مستلزم تشریح و حرام است. عنوان تشریح غیر از عنوان اخلال به قصد قربت است، اینجا حیثیات مختلفی می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد برای عدم جواز احتیاط. اگر کسی بخواهد احتیاط و امتثال اجمالی بکند در حالیکه تمکن از امتثال تفصیلی دارد این مستلزم تشریح است تشریح نیز حرام است. چرا احتیاط در عبادت مستلزم تشریح است؟ زیرا در عبادت قصد قربت شرط است، شما وقتی می‌خواهید این دو عمل را انجام دهید چون عبادت است باید هر دو را به قصد قربت اتیان کنید، هم نماز ظهر را و هم نماز جمعه را؛ در حالیکه تنها در یکی از اینها قصد قربت معتبر است و شما که عمل دیگر را به قصد قربت می‌آورید در حقیقت چیزی که در شرع به عنوان مقربیت لحاظ نشده است را به عنوان مقرب انجام دادید. یعنی ادخال کردید چیزی را که در دین نیست در دین. چیزی که خدا به عنوان قانون نگذاشته شما به عنوان قانون گذاشتید. خدا کی گفته است که ظهر جمعه عملی که عبادی نبوده را به قصد قربت بخوانید؟ این تشریح است و حرام.

بررسی دلیل سوم

این دلیل یک قیاس شکل اول است. احتیاط در عبادات مستلزم تشریح است؛ تشریح حرام است؛ پس احتیاط در عبادت حرام است. کبری که مسلم است تشریح حرام است. همه نیز این را قبول دارند. انما الاشکال فی الصغری، اینکه احتیاط در عبادت مستلزم تشریح باشد، این هم تقضا و هم حلا مردود است.

اشکال نقضی: اگر احتیاط در عبادت مستلزم تشریح باشد پس چرا شما در صورت عدم تمکن از امتثال تفصیلی احتیاط را جایز می‌دانید؟ دیگر نباید فرقی بین صورت تمکن و عدم تمکن باشد.

سوال:

استاد: این مستدل می گوید احتیاط در عبادت به این دلیل مستلزم تشریح است، ما می گوئیم اگر این دلیل باعث تشریح باشد در فرض عدم تمکن نیز همین مشکل پیش می آید، پس چرا شما می گوئید آنجا جایز است در صورتی که طبق سخن شما آنجا نیز نباید جایز باشد. زیرا در جایی که تمکن از امتثال تفصیلی نباشد این شخص این دو عمل را به قصد مقربیت انجام داده است پس اگر تشریح است آنجا نیز تشریح و حرام است. لذا نقض می کنیم این استدلال را به جواز احتیاط در جایی که عدم تمکن از امتثال تفصیلی است.

شرح رساله حقوق

حق شکم

تا اینجا حق برخی از اعضاء بیان شد، رسیدیم به حق شکم.

بیان کلی

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:

«وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَإِنَّهُ لَا تَجْعَلُهُ وَعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ» و اما حق شکم تو این است که آن را ظرف برای حرام قرار ندهی، چه کم و چه زیاد. فکر نکنید کم از حرام عیبی ندارد.

«وَأَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ وَلَا تُخْرِجَهُ مِنْ حَدِّ التَّقْوِيَةِ إِلَى حَدِّ التَّهْوِينِ وَذَهَابِ الْمُرُوَّةِ» و اینکه پا را از جاده میانه روی بیرون نگذاری (نسبت به شکم). از جاده میانه روی بیرون نروی یعنی چه؟ مرز میانه روی کجاست؟ و لَا تُخْرِجَهُ مِنْ حَدِّ التَّقْوِيَةِ، از حد تقویت جسم، آن مقداری که جسم تو به آن نیاز دارد حد را فراتر نبری، به کجا؟ إِلَى حَدِّ التَّهْوِينِ به حد حقارت و ذَهَابِ الْمُرُوَّةِ، اینکه شکم را به حد حقارت و ناجوانمردی نرسانی. این یعنی چه؟ مگر شکم موجب حقارت می شود، مگر موجب ناجوانمردی می شود؟ بله، اینها باید توضیح داده شود، خیلی عجیب است، این مطالبی که امام (علیه السلام) می فرماید هم برای صحت جسم و هم سلامت روح، برای هر دو لازم است.

«وَضَبْطُهُ إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَالظَّمَا» کنترل کنی، مسلط شوی به شکم وقتی به حد گرسنگی و تشنگی برسی. معلوم می شود وقتی شکم به این حد می رسد آشفتگی و بی قراری برای صاحب خودش فراهم می کند و منشأ خیلی مشکلات می شود.

تا اینجا امام سجاد (علیه السلام) سه حق برای شکم بیان کردند که این سه را بعداً توضیح می دهیم.

۱. حفظ از حلال و حرام.

۲. رعایت میانه روی.

۳. کنترل در هنگام گرسنگی و تشنگی.

سپس معلل می کند این دستور را که بالاخره در حد میانه نگه دار و از حد میانه بالاتر نرو، به حدی که جسم نیاز دارد، بیشتر از این پا را فراتر نگذارید.

«فَإِنَّ الشَّيْءَ الْمُنتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى التَّخَمِّ مُكْسَلَةٌ وَ مُثْبَطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ (مَكْسَلَةٌ وَ مُثْبَطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ) عَنْ كُلِّ بَرٍّ وَ كَرَمٍ»؛ سبزی و پیر خوری

که منتهی شود به اینجا که صاحبش به سوء هاضمه دچار شود، پیر خوری شکم سه اثر منفی دارد:

۱. کسالت آور و سست کنند است. ۲. انسان را درمانده و حقیر می کند. ۳. از مردانگی و جوانمردی و احسان باز می دارد.

عجیب است. گاهی به ریشه های مشکلات روحی و جسمی خودمان اصلاً توجه نداریم. دنبال چیز دیگری می گردیم در حالیکه ریشه اش چیز دیگری است.

«وَإِنَّ الرَّيَّ الْمُنْتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى السُّكْرِ مُسْخَفَةٌ وَ مُجْهَلَةٌ وَ مَذْهَبَةٌ (مَسْخَفَةٌ وَ مُجْهَلَةٌ وَ مَذْهَبَةٌ) لِلْمَرْوَةِ»؛ ری به معنای پر نوشی است، ری از آبیاری می آید، جایی که می گوید «ری الشجر» یعنی درخت را آبیاری کرد. آن پر خوری و پر نوشی، یعنی نوشیدن بیش از حد، که شکم صاحبش را انباشته از نوشیدنی کند، این سخن از نوشیدنی اعم است، پر نوشی به اصطلاح، این نیز سه اثر منفی دارد: ۱. عقل انسان را کم می کند، انسان را سخیف می کند. ۲. جهل و نادانی می آورد. ۳. جوانمردی را می گیرد.

عجیب است، پر خوری و پر نوشی هر دو در این اثر مشترک هستند. جوانمردی و مروت را از انسان می گیرد. این خصوصیت مال حرام نیست، حرام جای خودش، پر خوری و پر نوشی این آثار را دارد.

حضرت سه تا حق را برای شکم بیان کردند. بعد در ادامه به آثار شبع و ری اشاره کردند.

این یک بیان کلی از این فراز سخن امام سجاد علیه السلام است که به مرور در جلسات آینده آن را توضیح خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»